

دادرسی عادلانه

بر پایه «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی»

محمد علی بهمنی قاجار

یاد شده، در زیر به بررسی ویژگیهای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی پرداخته خواهد شد.

الف - «رعایت حقوق دفاعی متهم»

یکی از نخستین اصول تضمین کننده انصاف در دادرسی، رعایت حقوق دفاعی متهم است. حقوق دفاعی متهم هنگامی رعایت می شود که به اتهامات وی در یک دادگاه مستقل و بی طرف با رعایت همه تضمینهای مندرج در قوانین داخلی و تعهدات بین المللی رسیدگی شود. در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، برخی از موازینی که می تواند به رعایت حقوق دفاعی متهم بینجامد، آمده است که به آنها پرداخته می شود.

اصل برائت

در بند ۲ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی پس از تأکید بر لزوم قانونی بودن محکومیتها، به اصل برائت پرداخته و در این باره تأکید

پیشگفتار

قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در ارتباط با رعایت دادرسی عادلانه در زمینه پیگرد و بازجویی از متهمان و بازداشت آنها است.

در چارچوب این قانون تلاش بسیار شده است تا با توجه به نارساییها و پیچیدگیهایی که در نظام قضایی کشور وجود دارد از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قضایی و ضابطان دادگستری پاسداری شود. بنابراین تدوین قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در کنار تلاش برای نهادینه کردن رعایت حقوق بشر در دادرسی کیفری، اقدامی است در راستای از میان بردن تعرضات احتمالی به حقوق شهروندان. این قانون بر مواردی تأکید می کند که با موازین حقوق بشر و اصول قانون اساسی ایران هماهنگی دارد. در قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت شکنجه، رعایت حقوق دفاعی متهم و حفظ حریم خصوصی انگشت گذاشته شده است و بر سرهم این قانون می تواند در فراهم کردن زمینه دادرسی عادلانه تر و منصفانه تر یاری رسان باشد. با توجه به نکات

شده‌اند: «محاكم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.»^{۱۱} موضوع حق دفاع متهم که در بند ۳ قانون به آن اشاره شده و دادگاهها و دادسراها مکلف به رعایت آن گردیده‌اند، دربرگیرنده حقوقی برای متهم است و مضمون ماده ۳ آثاری دارد که به آنها اشاره خواهد شد:

تفهیم اتهام

حق متهم به دانستن نوع و علل اتهام در اسرع وقت و به تفصیل و به زبانی که بفهمد، یکی از مهمترین حقوق دفاعی متهم است.^{۱۲} که در قسمت الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۳} در قانون آیین دادرسی کیفری ایران با آنکه کمبودهایی دارد، به حق متهم در این زمینه اشاره شده است. در ماده ۲۴ این قانون به تکلیف ضابطان دادگستری به تفهیم دلایل و موضوع اتهام به کسی که بازداشت می‌شود، تصریح شده است.^{۱۴} که البته به هیچ وجه افاده مقصود نمی‌کند زیرا حق تفهیم اتهام با همه ویژگیهای حقیقی است که هر متهم گذشته از اینکه بازداشت شده یا نشده باشد باید از آن برخوردار باشد.^{۱۵} اما ماده ۱۲۹ قانون یاد شده چنین تکلیفی برای قضات در برابر همه متهمان، بازداشتی یا غیربازداشتی، مقرر کرده است و تأکید دارد که قاضی باید: «موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح

شده است: «تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبود قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.»^{۱۶}

جدا از این قانون، اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این اصل آمده است: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»^{۱۷} در اسناد بین المللی حقوق بشر نیز اصل برائت مورد تأکید قرار گرفته است که در این زمینه می‌توان به بند يك ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^{۱۸} بند دو ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی،^{۱۹} بند دو ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۲۰} و بند ۴ ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر^{۲۱} اشاره کرد. در این میان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی موجد تعهد لازم الرعایه بین المللی است که دولت ایران نیز، بی هر گونه شرط، به آن پیوسته است. بر پایه قوانین داخلی ایران هم این میثاق همچون يك قانون داخلی لازم الاجرا است و قضات می‌توانند در آرای خود به آن استناد کنند. با آنکه اصل برائت در قانون اساسی و يك عهدنامه بین المللی در حکم قانون آمده، باز هم کمبود قانونی در این زمینه محسوس بوده که در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر آن تأکید شده است.^{۲۲} اما پذیرش اصل برائت تنها به معنی بیان بی اثر این اصل در متون قانونی نیست، بلکه اصل برائت دارای آثاری است که شاید به تنهایی قادر به تأمین حقوق دفاعی متهم باشد.^{۲۳} این اصل آثار چشمگیر در زمینه رعایت شدن حقوق دفاعی متهم و تضمین آزادی او دارد. از پیامدهای اصل برائت که به گونه‌ای در این قانون نیز آثاری داشته، می‌توان به قواعدی چون دادن فرصت و امکانات لازم به متهم برای رفع اتهام از خود و نیز منع اجبار متهم به اثبات بی گناهی با شهادت و اقرار به زیان خود اشاره کرد.^{۲۴} گذشته از اصل برائت، در بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی دادگاهها مکلف به رعایت حقوق دفاعی متهم

○ در قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بر آزادی و امنیت شخصی، ممنوعیت شکنجه، رعایت حقوق دفاعی متهم و حفظ حریم خصوصی انگشت گذاشته شده است و بر سرهم این قانون می‌تواند در فراهم کردن زمینه دادرسی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر یاری رسان باشد.

کمیته‌هایی که در قانون آیین دادرسی کیفری درباره تفصیل در تفهیم اتهام و نیز تفهیم اتهام به زبانی که متهم آن را بفهمد وجود دارد، نمی‌تواند مانعی در برابر این تکالیف قاضی باشد. دادگاهها و دادرها با تأکید بند ۳ قانون مورد بررسی در این نوشتار، مکلفند به هنگام تفهیم اتهام، همه ویژگیهای يك تفهیم اتهام مؤثر در حق دفاع متهم را به همان گونه‌ای که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است رعایت و اتهام را به تفصیل و بازبانی که متهم آنرا درک کند در اسرع وقت به او تفهیم کنند.

محدود بودن بازجوییها به اتهامات انتسابی

از دیگر آثار رعایت حق دفاع متهم که باید ضمن تفهیم اتهام به آن پرداخته شود، این است که قاضی تحقیق تنها باید به تفهیم اتهام مطرح در پرونده مورد رسیدگی بپردازد و پس از آن هم تنها در زمینه اتهام تفهیم شده از متهم سؤال کند.

این موضوع در قوانین دادرسی برخی از کشورها آمده است و حتی رعایت نشدن آن موجب ابطال تحقیقات مقدماتی می‌گردد.^{۱۹} اما در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به تشریح به این موضوع پرداخته نشده است و تنها در ذیل ماده ۱۲۹ به بیان این نکته که سؤالات باید مفید و روشن باشد، بسنده شده است.^{۲۰} تصریح نشدن ممنوع بودن قضات از طرح پرسشهایی بی‌ارتباط با موضوع اتهام، امکان تضییع گسترده حقوق متهم را فراهم می‌کند؛ از این رو در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به این مسئله مهم نیز پرداخته شده است. در بند ۱۱ این قانون تأکید گردیده است که: «پرسشها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی اجتناب گردد».^{۲۱}

بدین سان، در این قانون راه هر گونه پرس و جو درباره مسائلی غیر از موضوع اتهام یکسره بسته شده است.

حق متهم به داشتن وکیل

نکته دیگر درباره حقوق دفاعی متهم که در بند ۳ قانون

○ پذیرش اصل برائت تنها به معنی بیان بی‌اثر این اصل در متون قانونی نیست، بلکه اصل برائت دارای آثاری است که شاید به تنهایی قادر به تأمین حقوق دفاعی متهم باشد. این اصل آثار چشمگیر در زمینه رعایت شدن حقوق دفاعی متهم و تضمین آزادی او دارد. از پیامدهای اصل برائت که به گونه‌ای در این قانون نیز آثاری داشته، می‌توان به قواعدی چون دادن فرصت و امکانات لازم به متهم برای رفع اتهام از خود و نیز منع اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی یا شهادت و اقرار به زیان خود اشاره کرد.

به متهم تفهیم نماید».^{۱۶} با وجود این، قانون آیین دادرسی کیفری ایران در قیاس با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره این حق کمیته‌هایی دارد. در این قانون از قید تفصیل درباره تفهیم اتهام ذکر می‌شود.^{۱۷} و همین مسئله دست قاضی را برای تفهیم اتهامی مجمل باز می‌گذارد. افزون بر این، در قانون ایران به تفهیم اتهام به زبانی که متهم آنرا بفهمد نیز اشاره‌ای نشده است. در این قانون همچنین موضوع تفهیم اتهام در اسرع وقت نیز به گونه روشن بیان نشده است، گرچه با مکلف دانستن قاضی به اینکه پیش از آغاز تحقیق به تفهیم اتهام بپردازد^{۱۸}، می‌توان گفت که موضوع سرعت در تفهیم اتهام تا اندازه‌ای مورد توجه قانون گذار بوده است.

ولی قانونگذار در بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی با تأکید بر مکلف بودن دادگاهها و دادرها به رعایت حق دفاع متهم، بی‌گمان در صدد توسعه حقوق متهم و رعایت کامل حقوق دفاعی بوده است؛ حقوقی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. از این رو

کاری در مورد قانون و هن انگیز است زیرا هر قانونی شأن نزولی و آثار ویژه‌ای دارد و نمی‌توان قانونی را تکرار قانون دیگری دانست. از سوی دیگر، لزوم تفسیر قوانین جزایی به سود متهم نیز که اصلی پذیرفته شده در حقوق جزا است،^{۲۵} ایجاب می‌کند که صراحت بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی را دارای بار حقوقی تازه‌ای بدانیم. این موضوع بویژه درباره تحقیقات مقدماتی دارای آثار چشمگیر است. در بند ۳ تصریح شده است که دادرسیها مکلف به فراهم کردن فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهم هستند و این تکلیفی تازه است زیرا بر پایه تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین

احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر آن تأکید شده است، تکلیف دادگاهها و دادرسیها به فراهم کردن فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهم است. این تکلیف قانونی اقدامی بسیار پیشروانه در زمینه حفظ حقوق دفاعی متهم و هر چه بیشتر ترافعی کردن مرحله تحقیقات مقدماتی است و تکالیفی بسیار فراتر از قانون آیین دادرسی کیفری بر عهده قضات می‌گذارد. درباره حضور وکیل در دادگاهها، بر پایه ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم بی هر قید و شرط حق دارد از وکیل در دادگاهها استفاده کند^{۲۲} و در ماده ۱۸۶ این قانون نیز بر الزام دادگاهها برای فراهم کردن امکان استفاده از وکیل تسخیری برای متهمان در صورت درخواست آنها و نیز درباره جرایمی که مجازات آنها قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد است، تأکید شده است. درباره حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی نیز در ماده ۱۲۸ به حضور وکیل به هنگام این تحقیقات اشاره شده ولی بر پایه تبصره همین ماده حضور وکیل منوط به اجازه دادگاه شده است.^{۲۳} بدین سان قانون آیین دادرسی کیفری ایران کاستیهایی در زمینه دخالت وکیل در دادرسی دارد که بزرگترین آنها عبارت است از:

- ۱- نبود الزام درباره حضور وکیل در دادگاههای رسیدگی کننده به موارد جزایی غیر از مواردی استثنایی؛
- ۲- ملزم نبودن مرجع تعقیب و تحقیق به فراهم کردن استفاده از وکیل برای متهم؛
- ۳- ملزم نبودن مرجع تحقیق به پذیرش حضور وکیل در مرحله تحقیقات.

با توجه به موارد یاد شده، در عمل، حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی که اهمیت بسزای تأمین حقوق دفاعی متهم دارد^{۲۴} با موانع بسیار روبه‌رو است؛ ولی بی گمان تکلیفی که در بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی برای دادگاهها و دادرسیها در نظر گرفته شده، فراتر از موارد ذکر شده در قانون آیین دادرسی کیفری است. اگر هدف تکرار همان حقوقی باشد که در مورد استفاده از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده بود، چنین

○ قاضی تحقیق تنها باید به تفهیم اتهام

مطرح در پرونده مورد رسیدگی پردازد و پس از آن هم تنها در زمینه اتهام تفهیم شده از متهم سؤال کند.

این موضوع در قوانین دادرسی برخی از کشورها آمده است و حتی رعایت نشدن آن موجب ابطال تحقیقات مقدماتی می‌گردد. اما در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به تشریح به این موضوع پرداخته نشده است و تنها در ذیل ماده ۱۲۹ به بیان این نکته که سؤالات باید مفید و روشن باشد، بسنده شده است. تصریح نشدن ممنوع بودن قضات از طرح پرسشهایی بی ارتباط با موضوع اتهام، امکان تضييع گسترده حقوق متهم را فراهم می‌کند؛ از این رو در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به این مسئله مهم نیز پرداخته شده است.

بازجویی‌ها، در مرحله تحقیق باید حقوق دفاعی متهم که در قانون آمده است به درستی رعایت شود، حقوقی مانند حق سکوت متهم که در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری هم با ذکر این مطلب که «قاضی به متهم متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد» و نیز با تأکید همین ماده قانونی بر اینکه «چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌گردد»^{۲۸} مورد شناسایی قرار گرفته است. بر سرهم اگر بند ۱۰ را که بر قانونی بودن همه تحقیقات و بازجویی‌ها تأکید می‌کند و همچنین بند ۳ را که گویای الزام به رعایت حقوق دفاعی متهم است با هم در نظر بگیریم، می‌توان گفت که حتی باید به حق سکوت متهم بیشتر از آنچه در قوانین آمده است پرداخته شود و مرجع تحقیقی که در پی رعایت حق دفاع متهم باشد باید به اعلام صریح حق سکوت به متهم نیز بپردازد.^{۲۹}

دیگر حقوق دفاعی متهم

از سیاست اتخاذ شده در قانون احترام به آزادیهای

○ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی با مکلف کردن دادگاهها به فراهم ساختن حق استفاده از وکیل برای متهمان، تکلیف تازه‌ای برای دادگاهها ایجاد کرده است؛ بدین معنی که دادگاهها نباید تنها به درخواست متهم یا در موارد جرایم خاص پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری، حق استفاده از وکیل تسخیری را برای متهمانی که وکیل غیر تسخیری ندارند، فراهم کنند، بلکه باید در مورد هر دعوی جزایی و بی‌توجه به درخواست متهم، امکان استفاده از وکیل تسخیری را برای متهمان فراهم آورند.

دادرسی کیفری، مرجع تحقیق حتی می‌تواند مانع حضور وکیل در مرحله تحقیق شود ولی در قانون مورد بررسی در این نوشتار، دادسرا مکلف به فراهم کردن وکیل برای متهم است. به سخن دیگر، افزون بر آنکه حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی بی‌هرگونه قید و شرط پذیرفته شده است، دادسرا مکلف است حق استفاده از وکیل را نیز برای متهم تأمین کند؛ اقدامی که با راهکارهایی چون خاطر نشان ساختن حق استفاده از وکیل برای متهم و نیز فراهم کردن امکان استفاده از وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی امکان‌پذیر خواهد بود.^{۲۶} بر روی هم می‌توان گفت که بند ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در حقیقت تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری را به گونه‌ای ضمنی نسخ می‌کند و موازینی را که در بالا به آنها اشاره شد در راستای حق استفاده از وکیل برای متهمان در دوره تحقیقات مقدماتی فراهم آورده است. افزون بر این، در مرحله رسیدگی نهایی نیز قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی با مکلف کردن دادگاهها به فراهم ساختن حق استفاده از وکیل برای متهمان، تکلیف تازه‌ای برای دادگاهها ایجاد کرده است؛ بدین معنی که دادگاهها نباید تنها به درخواست متهم یا در موارد جرایم خاص پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری، حق استفاده از وکیل تسخیری را برای متهمانی که وکیل غیر تسخیری ندارند، فراهم کنند، بلکه باید در مورد هر دعوی جزایی و بی‌توجه به درخواست متهم، امکان استفاده از وکیل تسخیری را برای متهمان فراهم آورند.

قانونی بودن بازجوییها

از دیگر حقوق دفاعی متهم که در بند ۱۰ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد تأکید قرار گرفته است، لزوم علمی بودن و قانونی بودن تحقیقات و بازجویی‌ها است و در همین بند تصریح شده است که در صورت سرپیچی از رعایت مقادیر آن، با متخلفان باید بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.^{۲۷} با توجه به لزوم قانونی بودن تحقیقات و

○ از دیگر حقوق دفاعی متهم که در بند ۱۰ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد تأکید قرار گرفته است، لزوم علمی بودن و قانونی بودن تحقیقات و بازجویی‌ها است و در همین بند تصریح شده است که در صورت سرپیچی از رعایت مفاد آن، با متخلفان باید براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد. با توجه به لزوم قانونی بودن تحقیقات و بازجویی‌ها، در مرحله تحقیق باید حقوق دفاعی متهم که در قانون آمده است به درستی رعایت شود، حقوقی مانند حق سکوت متهم.

لازم الاجرائی نیز تصویب شده است که در میان آنها می‌توان از کنوانسیون جهانی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا موهن یاد کرد.^{۳۲} همچنین کنوانسیون‌هایی منطقه‌ای نیز میان کشورهای عضو شورای اروپا و نیز اعضای سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) درباره لزوم پیشگیری و مجازات شکنجه تصویب شده است. تلاش جامعه جهانی در زمینه مبارزه با شکنجه تا آنجا بوده است که این کار در کنار قتل، به بردگی گرفتن، کوچ دادن اجباری، تجاوز جنسی و... جنایت ضدبشری به‌شمار آمده^{۳۳} و حتی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در رده جرایم قابل پیگرد از سوی این دیوان قرار گرفته است.^{۳۴} افزون بر اسناد ویژه‌ای که در زمینه ممنوعیت شکنجه و مجازات این کار تدوین شده در دیگر منابع حقوق بشری نیز بر ممنوعیت شکنجه تأکید شده است. در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز شکنجه به هر عنوان به روشنی ممنوع شده است.^{۳۵}

مشروع و حفظ حقوق شهروندی نسبت به حقوق دفاعی متهم، می‌توان نتیجه گرفت که بندهای ۱۰ و ۳ این قانون به معنای مکلف بودن دادرها و دادگاهها به رعایت کامل حق دفاع متهم است و از این رو جدا از آنچه گفته شد، حقوق زیر نیز که بر پایه موازین حقوق بشری مورد پذیرش ایران بخشی از حق دفاع متهم است، در زمره حقوقی به‌شمار می‌آید که مراجع قضایی باید در راستای پاسداری از حق دفاع متهم آنها را رعایت کنند:

- ۱- فراهم بودن وقت و تسهیلات کافی برای دفاع متهم و ارتباط او با وکیل منتخبش
- ۲- قضاوت درباره متهم بی تأخیر ناموجه
- ۳- حق متهم در پرسش از شهود موافق و مخالف و گرفتن پاسخ از آنان
- ۴- حق متهم به استفاده از مترجم رایگان در صورت آشنا نبودن با زبان دادگاه
- ۵- مجبور نبودن متهم به اعتراف به جرم یا شهادت دادن بر ضد خود.

همه موارد یاد شده در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، چنان که پیشتر گفته شد، در ایران نیز لازم الاجرا و قابل استناد است.^{۳۰} در ضمن، به برخی از موارد آن، مانند حق استفاده از مترجم رایگان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز تصریح شده است.^{۳۱} بنابراین می‌توان از همه موارد یاد شده در زمینه پاسداری از حقوق دفاعی متهم بهره گرفت. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی همچنین درباره مجبور نبودن متهم به اعتراف به جرم یا دادن شهادت بر ضد خود تأکید ویژه دارد و در این راستا در مواردی چند به ممنوع بودن شکنجه و هر گونه اجبار نسبت به متهم اشاره کرده است که به آن پرداخته خواهد شد.

ب - «ممنوع بودن شکنجه»

منع شکنجه امروزه بعنوان يك قاعده آمره در حقوق بین‌الملل مطرح است. جامعه جهانی خواستار ممنوعیت شکنجه، پیشگیری از آن و کیفر دیدن عاملان است. در این زمینه اسناد بین‌المللی معتبر و

○ تلاش جامعه جهانی در زمینه مبارزه با شکنجه تا آنجا بوده است که این کار در کنار قتل، به بردگی گرفتن، کوچ دادن اجباری، تجاوز جنسی و... جنایت ضدبشری به شمار آمده و حتی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در رده جرایم قابل پیگرد از سوی این دیوان قرار گرفته است.

در حقوق ایران نیز بر ممنوعیت شکنجه تأکید گردیده است. این ممنوعیت در حقوق ایران دو اثر مهم دارد: يك اثر آن، بی اعتبار شناخته شدن هر گونه اقرار بر اثر شکنجه است. این اصل از حقوق اسلام نیز ریشه می‌گیرد و در این باره می‌توان به حدیث نبوی «رفع عن امتی... و ما استکر هوا علیه» اشاره کرد^{۳۶} که آشکارا افراد را از جهت هر گونه عمل که ناشی از اکراه باشد از مسئولیت مبرا می‌دارد؛ حکمی که به گونه طبیعی به معنای بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه نیز خواهد بود. درباره بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه، قانون اساسی ایران موضعی آشکار دارد و در اصل ۳۸ قانون اساسی شهادت، اقرار و سوگندی که ناشی از اجبار باشد، بی ارزش و اعتبار دانسته شده است.^{۳۷} ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به روشنی اجبار متهم را ممنوع کرده است.^{۳۸} دیگر اثر ممنوعیت شکنجه در حقوق ایران، پیش‌بینی مجازات برای عاملان شکنجه است. در اصل ۳۸ قانون اساسی پس از تصریح بر ممنوعیت شکنجه، تأکید شده است که متخلف از این اصل، بر پایه قانون مجازات می‌شود. در قانون مجازات اسلامی نیز کیفری برای شکنجه کردن با هدف گرفتن اقرار پیش‌بینی شده و در ماده ۵۷۸ این قانون آمده است که «هر يك از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب

مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.»^{۳۹}

بدین‌سان، در حقوق داخلی ایران، دو ضمانت اجرا برای ممنوعیت شکنجه در نظر گرفته شده است: یکی بی اعتبار شناخته شدن هر گونه اقرار و موارد مانند آن که ناشی از شکنجه باشد، و دیگری پیش‌بینی کیفر برای عاملان شکنجه. با این حال نقاط ضعف آشکاری در حقوق ایران در زمینه شکنجه وجود دارد. زیرا گذشته از اینکه تعریفی از شکنجه به دست داده نشده، حتی در قانون مجازات اسلامی تنها از مجازات عاملان اذیت و آزار بدنی یاد شده است. بدین‌سان کیفری برای دیگر گونه‌های شکنجه مانند شکنجه‌های روحی و روانی پیش‌بینی نشده و فراتر از آن، هیچ مصداقی برای شکنجه، چه روانی و چه جسمی بیان نگردیده است. درباره ممنوعیت شکنجه در حقوق ایران همچنین باید گفت که تنها بر ممنوع بودن این کار برای گرفتن اقرار و اطلاعات در جرایم دادرسی تأکید شده است و مجازات‌های شکنجه‌آمیز ممنوع نگردیده است. درباره ممنوعیت شکنجه در دوره تحقیقات نیز، چنان که گفته شد، تأکید قانونی بسیار مجمل و ناکافی بود و از این‌رو در عمل امکان رفتارهای شکنجه‌آمیز در مرحله تحقیق از متهمان نیز وجود داشت. در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، گرچه همچنان از تعریف شکنجه خودداری شده است، اما در اقدامی پیشروانه، افزون بر تصریح بر ممنوعیت شکنجه و بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه، به بیان مصادیقی از رفتار شکنجه‌آمیز و بویژه شکنجه‌های روحی و روانی پرداخته شده و ممنوعیت آنها مورد تأکید قرار گرفته است.

در این قانون در بند ۱ اعمال هر گونه خشونت ممنوع اعلام شده و بند ۹ نیز در مورد ممنوعیت هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه است و هر گونه اقرار ناشی از اجبار بی ارزش شناخته شده است.^{۴۰} دیگر بندهای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به بیان ممنوعیت نمونه‌هایی از موارد شکنجه‌آمیز پرداخته

و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریز ناپذیر انجام گیرد، هر چه زودتر دادرسی عادلانه و منصفانه درباره کسانی که آذیشان سلب شده به عمل آید، اشخاص دستگیر شده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند و خسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیر قانونی جبران گردد.^{۴۳}

تعهدات دولتها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹)^{۴۴} و در اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی (ماده ۵)^{۴۵} تصریح و به آثار چنین حقی نیز اشاره شده است.

در حقوق اساسی ایران برخی از مصداقهای حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است. در اصل ۳۲ قانون اساسی بر ممنوعیت توقیف خودسرانه تأکید شده و مرجعی که به بازداشت دست می‌زند باید حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد.^{۴۶} اصول ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ قانون اساسی نیز آثاری از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است. با این حال کمبودهای قانونی چشمگیر در زمینه پاسداری از حق آزادی متهم وجود

است. در بند ۵ این قانون به نکته ظریفی درباره پیشگیری از آزار روحی و روانی افراد اشاره شده است. بر پایه این بند، مراجعی که اقدام به دستگیری متهمان می‌کنند، مکلفند خانواده دستگیرشدگان را از جریان کارها آگاه سازند؛^{۴۱} نکته‌ای که در جلوگیری از آزار روحی و روانی متهمان و خانواده آنها اهمیت بسزا دارد. بند ۶ این قانون نیز به موضوع مهم دیگری اختصاص یافته و در آن آمده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.»

در بند ۷ این قانون هم به جنبه‌های دیگری در زمینه پیشگیری از آزار روحی و روانی متهم توجه شده است. در این بند آمده است: «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنها به اماکن نامعلوم و کلاً اقدامهای خلاف قانون خودداری ورزند.»^{۴۲}

این دو بند بر سر هم در بیان ممنوعیت هر گونه آزار روحی و روانی متهم است و در حقیقت موارد بیان شده در آن یکسره جنبه تمثیلی دارد و با توجه به نص صریح این دو بند، که در آنها عباراتی همچون «اقداماتی نظیر و یا کلاً اقدامهای خلاف قانون» به کار گرفته شده است، موارد یادشده در بندهای ۷ و ۶ قانون مورد بررسی، به هیچ وجه جنبه حصری ندارد و هدف، پیشگیری از هر گونه آزار روحی و روانی متهم است. از این رو بر پایه این دو بند و با توجه به لزوم تفسیر به سود متهم، مراجع قانونی مرتبط با پیگرد و تحقیق از متهمان باید از هر کاری که به آزار روحی و روانی متهم بینجامد، پرهیزند.

پ - «حقوق ناظر بر آزادی متهم»

آزادی و امنیت شخصی یکی از حقوقی است که برای همه انسانها به رسمیت شناخته شده و در اسناد بین المللی حقوق بشر نیز دولتها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. این حق آثار مهمی دارد. بر پایه آن، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنایی باشد که تنها بر پایه قانون

○ درباره بی اعتباری اقرار ناشی از شکنجه، قانون اساسی ایران موضعی آشکار دارد و در اصل ۳۸ قانون اساسی شهادت، اقرار و سوگندی که ناشی از اجبار باشد، بی ارزش و اعتبار دانسته شده است. ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به روشنی اجبار متهم را ممنوع کرده است. دیگر اثر ممنوعیت شکنجه در حقوق ایران، پیش بینی مجازات برای عاملان شکنجه است.

است، فرستاده شدن پرونده در مدت مقرر به مراجع صالح قضایی است؛ نکته‌ای که تأکیدی دوباره بر اصل ۳۲ قانون اساسی است.^{۵۳} از دیگر اصول ناظر بر حق آزادی متهم در راستای پاسداری از آزادی و امنیت وی، رعایت اخلاق و موازین اسلامی درباره متهمان، مرتکبان جرایم و همچنین دادخواهان و آگاهان از وقایع است. این اصل در بند ۴ قانون مورد بررسی ما آمده است. این موضوع با تأکیدهای اصل ۳۹ قانون اساسی ایران بر ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت^{۵۴} و نیز ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۵۵} درباره رفتار انسانی و احترام به حیثیت ذاتی انسانی در مورد افرادی که از آزادی محروم شده‌اند، همخوانی دارد.

ت - «حفظ حریم خصوصی»

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی برای حفظ حریم خصوصی متهمان نیز اهمیت ویژه‌ای داشته است. حفظ حریم خصوصی یکی از ارزشهای حقوق بشری است که در اسناد جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

دارد و بویژه در قانون آیین دادرسی کیفری با دادن اختیار گسترده به قاضی برای بازداشت و نیز پیش‌بینی قرار بازداشت اجباری،^{۴۷} حقوق ناظر بر آزادی متهم سخت محدود گردیده است. در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به حقوق ناظر بر آزادی متهم نیز توجه شده است، گرچه باز هم به مواردی همچون «لزوم جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه» پرداخته نشده است.

با وجود این کاستی، قانون مورد بررسی در این نوشتار درباره حقوق ناظر به آزادی متهم گامهایی به جلو برداشته است و در بندهایی به آثار ناشی از این حق پرداخته است.

بند ۱ این قانون در مورد لزوم قانونی بودن مرجع تعقیب و همچنین الزام بر قانونی بودن همه مراحل تعقیب و نیز مشخص و شفاف بودن دستور قضایی است.^{۴۸} مندرجات این بند در واقع دربرگیرنده موضوع منع تعقیب و توقیف خودسرانه است و این بند با ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی^{۴۹} و نیز با اصل ۳۲ قانون اساسی^{۵۰} هماهنگی دارد.

اصل مهمی که در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی درباره حقوق ناظر بر آزادی متهم مورد توجه قرار گرفته است، اصل بودن منع دستگیری و بازداشت افراد است.^{۵۱} این اصل یکی از مهمترین قواعد حقوق بشری است و درج آن در قانون مورد بررسی، نشان‌دهنده پیشرو بودن این قانون در زمینه پاسداری از اصول حقوق بشر است. تأکید بر اصل بودن منع بازداشت به صراحتی که در بند ۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان شده است با بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی به‌طور کامل منطبق است. اصل دیگری که در بند ۵ قانون مورد بررسی، اهمیت دارد، در مورد بازداشت است؛^{۵۲} اصلی که برای نمونه در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

اصل دیگری که در بند ۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته

○ در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، گرچه همچنان از تعریف شکنجه خودداری شده است، اما در اقدامی پیشروانه، افزون بر تصریح بر ممنوعیت شکنجه و بی‌اعتباری اقرار ناشی از شکنجه، به بیان مصادیقی از رفتار شکنجه‌آمیز و بویژه شکنجه‌های روحی و روانی پرداخته شده و ممنوعیت آنها مورد تأکید قرار گرفته است.

○ اصل مهمی که در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی درباره حقوق ناظر بر آزادی متهم مورد توجه قرار گرفته است، اصل بودن منع دستگیری و بازداشت افراد است. این اصل یکی از مهمترین قواعد حقوق بشری است و درج آن در قانون مورد بررسی، نشان دهنده پیشرو بودن این قانون در زمینه پاسداری از اصول حقوق بشر است. تأکید بر اصل بودن منع بازداشت به صراحتی که در بند ۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان شده است با بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی به طور کامل منطبق است.

سیاسی در پیوند با حفظ حریم خصوصی است.^{۵۶} ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هرگونه مداخله خودسرانه یا خلاف قانون در زندگی خصوصی و خانوادگی و اقامتگاه یا مکاتبات اشخاص را ممنوع کرده است. منظور از ممنوعیت مداخله خلاف قانون در حریم خصوصی اشخاص تا اندازه ای روشن است و مفهوم مداخله خودسرانه نیز در تفسیر کلی (General comment) کمیته حقوق بشر روشن شده است. بر پایه تفسیر کلی شماره ۱۷ کمیته حقوق بشر، مداخله ای خودسرانه نیست که معقول باشد، یعنی متناسب با هدف مشروعی که دولت تعقیب می کند بوده و در چارچوب شرایط ویژه هر موضوع ضرورت داشته باشد.^{۵۷} بند ۸ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز درباره حفظ حریم خصوصی اشخاص به رعایت اصول مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نظر دارد. در این بند بر ممنوعیت مداخله خودسرانه و غیر قانونی در حریم خصوصی اشخاص تأکید شده و بویژه تعبیری که این بند از لزوم تناسب مداخله با کشف جرم دارد با تفسیری که کمیته حقوق بشر از مداخله خودسرانه و غیر خودسرانه به دست داده است هماهنگی کامل دارد. در این بند تأکید شده است: «از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس ها و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.»

آید.^{۵۸}

«دیگر موارد مندرج در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی»

گذشته از آنچه درباره حقوق دفاعی متهم، حقوق ناظر به آزادی وی یا ممنوعیت شکنجه و حفظ حریم خصوصی او در قانون مورد بررسی آمده است، این قانون در برگیرنده موارد دیگری نیز هست. بند ۱۲ این قانون به حفظ امانت در نگارش پاسخهای متهمان اشاره دارد؛ موضوعی که بی گمان برای رعایت حقوق دفاعی متهم اهمیت بسزای دارد. در بند ۱۳ قانون به نظارت بر چگونگی رفتار مأموران و متصدیان مربوط به متهمان اشاره می کند و بند ۱۵ درباره پیش بینی برپایی هیأتی برای نظارت بر اعمال مقررات قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی است؛^{۵۹} پیش بینی ای که با تدوین دستورالعمل اجرایی بند مذکور در ۱۹ ماده و ۵ تبصره به وسیله ریاست قوه قضائیه محقق گردید.^{۶۰} در این

گذشته از بند ۸، یکی دیگر از بندهای قانون مورد بررسی در این نوشتار، یعنی بند ۱۴ نیز به گونه ای به ممنوعیت مداخله خودسرانه پرداخته است:

«از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل

احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی تنها در صورت فرهنگ‌سازی برای حفظ و رعایت این اصول امکان دارد؛ چیزی که در گرو اراده ملی و همکاریهای گسترده نهادهای مدنی و سازمانهای دولتی است.

در پایان، گفتنی است که در نگارش این نوشتار از راهنماییهای ارزنده استاد گرامی جناب آقای دکتر آشوری بهره گرفته شده است.

پی‌نوشتها:

۱. درباره اهمیت رعایت حقوق دفاعی متهم برای نمونه، ن. ک: محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشگاه تهران «دانشکده حقوق و علوم سیاسی. مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی»، ۱۳۸۳، صص ۳۳۱-۳۲۶
۲. «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳»، روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۳/۲، بند ۲
۳. غلامرضا حجّتی اشرفی، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، ص ۱۵
۴. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، «دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، ۱۳۸۲، ص ۹
۵. همان، ص ۲۲
۶. اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، ج ۲، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، قسمت اول اسناد منطقه‌ای، ص ۱۵
۷. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴
۸. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۲
۹. علی حسین نجفی ابرندآبادی، علوم جنایی «مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری»، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، ۱۳۸۳، ص ۲۲۹
۱۰. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بندهای ۹ و ۳
۱۱. همان، بند ۳
۱۲. آشوری، پیشین، صص ۳۵۲-۳۵۰
۱۳. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، ص ۲۳

دستورالعمل راهکارهایی برای نظارت بر اجرای هر چه درست‌تر قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مشخص شده و بر برخورد قانونی با نقض کنندگان این قانون، تأکید گردیده است.

نتیجه‌گیری

قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به دلایل گوناگون از اهمیت بسیار برخوردار است. این قانون گویای پدیدار شدن سیاست دادرسی کیفری تازه‌ای در زمینه حقوق متهمان است و در حقیقت رویکرد این قانون به حقوق متهمان دست کم پس از پیروزی انقلاب بی‌سابقه است. سیاست دادرسی کیفری تازه‌ای که این قانون نماینده آن است، بر این اصل استوار است که کشف جرم و حفظ حقوق متهم اهمیتی پایاپای دارند و یکی فدای دیگری نمی‌شود؛ سیاستی که با سیاست دادرسی کیفری سنتی که بر برخورد هر چه سخت‌تر با متهمان تأکید می‌کرد، تفاوت‌های بنیادین دارد.

قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نشان دهنده رویکردی تازه به حقوق بشر است؛ رویکردی که در کنار بهره‌گیری از ظرفیتهای حقوق ملی و بومی و در راستای حل معضلات داخلی، در پی بهره‌گیری از ارزشی جهان‌شمول به نام حقوق بشر است و بر کاربرد اصول و قواعد حقوق بشری و داخل کردن این اصول در قوانین داخلی اهتمام ویژه دارد. در حقیقت تصویب این قانون که در برگیرنده مفاهیم حقوق بشری است، با تلاشهای پیشروانه جهانی در زمینه وارد کردن ارزشهای حقوق بشری در حقوق داخلی کشورها هماهنگی دارد.

با این همه، دستیابی به هدفهای این قانون تنها در صورتی امکان‌پذیر است که دیگر کاستیهای قانونی از میان برداشته شود و در قانون آیین دادرسی کیفری و در ساختار قضایی بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی بازنگری شود؛ کارهایی که بی‌گمان باید برپایه پژوهشهای علمی انجام گیرد.

سرانجام اینکه حاکم کردن اصول مندرج در قانون

۱۴. بهمن کشاورز، متن قانون و آیین نامه «اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» معروف به قانون احیاء دادرها به انضمام متن منقح آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری، تهران، کشاورز، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱
۱۵. آشوری، پیشین، صص ۳۵۳-۳۵۰
۱۶. کشاورز، پیشین، ص ۱۸۲
۱۷. همان
۱۸. همان، صص ۱۸۳-۱۸۲
۱۹. نجفی ابرنآبادی، پیشین، ص ۲۳۵
۲۰. کشاورز، پیشین، ص ۱۸۳
۲۱. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۱۱
۲۲. کشاورز، پیشین، ص ۱۹۷
۲۳. همان، ص ۱۸۲
۲۴. اهمیت حضور و کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در مقاله «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری» نگارش استاد دکتر محمد آشوری به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در این باره، ن.ک: آشوری، عدالت کیفری «مجموعه مقالات»، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، صص ۱۶۰-۱۵۳
۲۵. نجفی ابرنآبادی، پیشین، صص ۲۳۹-۲۳۷
۲۶. منظور از حق تأمین استفاده از کیل برای متهمان، چیزی جز استفاده از کیل برای متهم و نیز فراهم کردن امکان استفاده از کیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی نیست. درباره آثار حق فراهم کردن امکان استفاده از کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، ن.ک:
- آشوری، پیشین، صص ۱۵۹-۱۵۷
۲۷. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۱۰
۲۸. کشاورز، پیشین، ص ۱۸۳
۲۹. نجفی ابرنآبادی، پیشین، ص ۲۳۵
۳۰. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۲۳-۲۲
۳۱. کشاورز، پیشین، ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک، ص ۲۰۲
۳۲. اردشیر امیرارجمند، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، ج ۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، قسمت اول اسناد جهانی، ص ۴۹۵
۳۳. اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸، صص ۵۳۸-۵۳۹
۳۴. همان، صص ۵۳۸-۵۳۷
۳۵. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۱۹-۹
۳۶. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۷۵
۳۷. حجّتی اشرفی، پیشین، ص ۱۵
۳۸. کشاورز، پیشین، ص ۱۸۳
۳۹. علی درودی، قانون مجازات اسلامی، تهران، حقوق اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۱
۴۰. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بندهای ۹ و ۱
۴۱. همان، بند ۵
۴۲. همان، بند ۷
۴۳. نجفی ابرنآبادی، پیشین، صص ۲۳۳-۲۳۱
۴۴. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۲۱-۲۰
۴۵. امیرارجمند، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، ج ۲، پیشین، قسمت اول اسناد منطقه‌ای، صص ۱۴-۱۳
۴۶. حجّتی اشرفی، پیشین، صص ۱۵-۱۴
۴۷. کشاورز، پیشین، صص ۱۶۵-۱۶۳
۴۸. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۱
۴۹. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۲۰-۹
۵۰. حجّتی اشرفی، پیشین، ص ۱۵
۵۱. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۵
۵۲. نجفی ابرنآبادی، پیشین، ص ۱۹۵
۵۳. حجّتی اشرفی، پیشین، ص ۱۵
۵۴. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، ص ۲۱
۵۵. همان
۵۶. همان، صص ۲۴ و ۱۰
57. United Nation Human Rights website-Treaty Bodies Database- document- General comments, General comment No. 16: right to respect of privacy, family home and correspondence, and protection of honour and reputation (Art. 17): 8/4/88.
www.unhchr.ch
۵۸. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بند ۱۴
۵۹. همان، بند ۱۵
۶۰. دستور العمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۵، روزنامه رسمی، شماره ۱۳۸۳/۱۲/۲۶، ۱۷۴۹۵